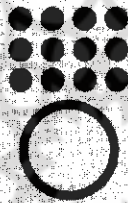


گزارش



تحقیق دسترسی به اطلاعات

پژوهش‌های دسترسی به اطلاعات
پایه علمی

حق دسترسی به اطلاعات

سخنرانی دکتر نمک دوست عضو هیات علمی دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
در نشست علمی انجمن روابط عمومی ایران

فاطمه شهبازیان

سوئد نخستین کشوری بود که در سال ۱۷۶۶ از حق دسترسی به اطلاعات برخوردار شد و به همین دلیل سوئدی‌ها به این امر مباحثات می‌کنند. آنان معتقدند دموکراسی سوئد مرهون حق دسترسی به اطلاعات است نه حق دسترسی به اطلاعات مرهون دموکراسی سوئد. اهمیت این بحث در کشور سوئد به حدی است که حق دسترسی به اطلاعات در این کشور به عنوان بخشی از قانون مطبوعات به تصویب رسیده است که ترجمه آن به فارسی نزدیک به شش صفحه می‌باشد.

آمار نشان می‌دهد که از سال ۱۷۶۶ تا ۱۹۶۶ هیچ کشوری جز کشور کلمبیا آن هم به مدتی کوتاه این حق را به رسمیت نشناخت. تا اینکه آمریکا قانون آزادی اطلاعات را تصویب کرد و کشور فرانسه در سال ۱۹۷۶ و کشور کانادا در سال ۱۹۲۲ هم به سوئد و آمریکا پیوستند. تا جایی که امروز پنجاه کشور قوانین تضمین کننده حق دسترسی به اطلاعات را به تصویب رسانده‌اند و روز به روز به تعداد آنها افزوده می‌شود. کشور انگلیس در سال ۲۰۰۰ صاحب این قانون شد. در همان سال کشور بوسنی و هرزگوین هم دارای این حق شد. در منطقه آسیای هندوستان و ترکیه دارای قانونی هستند که به طور اختصاصی در آن به موضوع حق دسترسی به اطلاعات پرداخته شده است.

در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که مبنای حقوق بین‌المللی بحث حق دسترسی به اطلاعات است، جزء اولین کارهای سازمان ملل متحد بعد از تاسیس و حتی قبل از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، برگزاری کنفرانس جهانی درباره آزادی اطلاعات بود که چهار رکن داشت:

- جستجوی اطلاعات
- انتشار اطلاعات
- انتقال اطلاعات
- دریافت اطلاعات

در سال ۱۹۴۸ و تا همین اواخر مقصود از آزادی اطلاعات، این بود که جستجوی اطلاعات، آزادانه صورت گیرد و انتقال،

بسیار شنیده و یا خوانده ایم که دانستن حق مردم است ولی به اینکه چگونه مردم می‌توانند در مسایل آگاهانه مشارکت داشته باشند و از حقوق شهروندی به درستی برخوردار باشند به درستی اشاره نشده است. مردم باید بدانند که حق دانستن چه چیزی را دارند و به طور کلی حق دانستن یعنی چه؟ در اینجا است که بحث حق دسترسی به اطلاعات که همان آزادی اطلاعات، شفافیت و علنی‌گری محسوب می‌شود، در ادبیات امروزی مطرح می‌شود:

بسیاری حق دسترسی به اطلاعات را به عنوان اکسیژن دموکراسی تلقی می‌کنند؛ اهمیت حق دسترسی به اطلاعات در تأمین و تضمین دموکراسی بسیار زیاد است؛ به همین خاطر بسیاری معتقدند حق دسترسی به اطلاعات موجد و شاخص و محصول دموکراسی است. اما آنچه مسلم است این که در هیچ قانونی دسترسی به اطلاعات خصوصی افراد مجاز نیست.

بنیان نظریه حق دسترسی به اطلاعات معتقد است که دولت امانتدار اطلاعات است، نه مالک آن. مالک اطلاعات مردم هستند. آنها اطلاعات را در اختیار دولت قرار می‌دهند تا آن را پردازش کند و در اختیار مردم قرار دهد تا آن را در جهت منافع مردم استفاده کند.

انتشار و دریافت آن هم آزاد باشد. اما از سال ۱۹۴۸ تا امروز در عمل اتفاقی افتاد که سه رکن آخر به صورت خود به خود متحقق شد، به طوری که در صورتی که به اطلاعاتی دسترسی داشته باشیم حتی اگر محرمانه باشد، اگر اراده داشته باشیم که آنها را منتشر، منتقل یا دریافت کنیم به سادگی می‌توانیم. انتقال، انتشار و دریافت اطلاعات در عمل حل شده و آنچه که لاینحل مانده جستجو تا دسترسی به اطلاعات است که این نکته معطوف به همان می‌شود که ما هنوز به اطلاعات دسترسی نداریم.

موضوع حق دسترسی به اطلاعات، در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به صورت یک عبارت در آمده است که در مواد مختلف قانون به آن پرداخته‌اند. اما اهمیت حق دسترسی به اطلاعات بسیار بیشتر از اینهاست و نیاز به یک قانون ویژه دارد نه یک بند و عبارت کلی. کشورها و نهادهای بین‌المللی مختلف کوشیده‌اند حق دسترسی به اطلاعات به صورت قانون تضمین شود و سازمان ملل متحد این بحث را به صورت جدی دنبال می‌کند.

از سال ۱۹۹۰ کمیساری عالی آزادی بیان تشکیل شده است که یکی از بحث‌های اصلی این کمیساری موضوع حق دسترسی به اطلاعات است. خصوصا در زمان اجلاس ریودوژانیرو درباره زمین به طور قطع مطرح شد که شهروندان کشورها حق دارند از اطلاعات مربوط به اتفاقات زیست محیطی خود مطلع شوند.

عرصه دیگری که سازمان ملل از آن حمایت می‌کند، دسترسی به اطلاعات مربوط به حقوق بشر در کشورها است. یونسکو تا سال ۲۰۰۲ مفهومی که از حق دسترسی به اطلاعات آرایه می‌کند حق دسترسی به معرفت جهانی بود و دانش به عنوان گنجینه مشترک انسانی اما از سال ۲۰۰۲ با گزارشی که تویی بندر برای یونسکو تهیه کرد، یونسکو هم به ادبیات بحث حق دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار دولت است پرداخت.

بعضی از نهادهای منطقه‌ای مثل سازمان کشورهای آمریکای لاتین، شورای اروپا و خصوصا اتحادیه آفریقا مدافع جدی حق دسترسی به اطلاعات هستند. UNDP یکی از زیرمجموعه‌های سازمان ملل متحد چند سالی است که اعلام کرده است حق دسترسی به اطلاعات در مورد این سازمان برای همه شهروندان جهان آزاد است.

نهادهای مدنی هم در دنیا از حق دسترسی به اطلاعات دفاع می‌کنند یکی از آنها نهاد ماده ۱۹ است که این بحث‌ها را پیگیرانه مطرح می‌کند.

بحث حق دسترسی به اطلاعات بحثی انتزاعی نیست و در پیرامون ما وجود دارد و کشوری مثل کشور ما هم در جریان آن می‌باشد؛ تیرماه سال گذشته اداره حقوقی نهاد ریاست جمهوری پیش‌نویس لایحه حق دسترسی به اطلاعات را منتشر کرد که مطبوعاتی اشاره‌ای به این موضوع نداشتند و هم اکنون پیش‌نویس این لایحه در کمیسیون حقوقی دولت

است. در پیش‌نویس این لایحه قانون حق دسترسی به اطلاعات ۳۱۶۴ کلمه پیش‌بینی شده است.

واضع و نظریه‌پرداز حق دسترسی به اطلاعات کشیش سوئدی فنلاندی به نام چیدنیس است که این بحث را از چین الهام گرفت؛ منبع الهام برای او قرون ۱۱ تا ۸ میلادی بود؛ چیزی شبیه به حق دسترسی به اطلاعات که نزد دولت است در امپراطوری‌های چین به رسمیت شناخته شده بود و مردم می‌توانستند بدانند که در حکومت چه می‌گذرد و حق اظهارنظر داشتند و امپراطوران به انتقاد مردم بسیار اهمیت می‌دادند.

حق دسترسی به اطلاعات با آزادی بیان هم نسبت دارد، برای اینکه از آزادی بیان استفاده کنیم باید حرفی برای گفتن داشته باشیم باید چیزی موجود باشد تا بتوان آن را بیان کرد؛ بنابراین یک پیوند مستقیم بین حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان وجود دارد؛ حق دسترسی به اطلاعات آن چیزی است که برای بیان کردن باید داشته باشیم.

یک نکته جدی که در حق دسترسی به اطلاعات وجود دارد، نقش دولت‌ها در جهان است که اکنون دستخوش تغییر است، دولت‌ها در تلاشند برخی از وظایف سنتی خود را به بیرون از خود و به نهادهای مدنی و بخش خصوصی بسپارند؛ دولت بدون اینکه اطلاعاتی به این بخش‌ها دهد نمی‌تواند وظایفش را به عهده نهادهای مربوطه بگذارد. اگر دولت‌ها خواهان بردن سپاری هستند بایستی اطلاعات مربوطه به آن را در دسترس قرار دهند.

جنبه دیگری که حق دسترسی به اطلاعات دارد تحقق مفهوم شهروندی است، شهروندان حق دارند تجربه کنند و مشارکت داشته باشند، آگاه باشند و اطلاعات داشته باشند برای اینکه شهروند باشند و کسی را بدون این ویژگی‌های چگونه می‌توان شهروند نامید؟! بنابراین شهروندان برای مشارکت فعال در سرنوشت خود باید اطلاعات کلیدی داشته باشند. شهروندان باید در مورد شفافیت، تقویت مشارکت مدنی، افزایش کارآمدی و پیشگیری از فساد آگاه باشند موضوعی مانند فساد در صورت نبود اطلاعات همگانی رخ می‌دهد و از آن بدتر موقعی است که عده‌ای کم دسترسی به اطلاعات دارند؛ و یا انسجام اجتماعی، شهروندان آگاه به یکدیگر و به فضای سیاسی و اجتماعی پیرامونشان بیشتر اعتماد می‌کنند تا شهروندان ناآگاه تحول فرهنگی هم کمک به ایجاد فضای باز سیاسی خواهد کرد.

در زمینه حق دسترسی به اطلاعات نهادی وجود دارد که مسوول رسیدگی به این است که آیا مردم به اطلاعات مورد نظر خود دسترسی پیدا می‌کنند و یا نه این نهاد وظیفه‌اش دسترسی به اطلاعات و آسان کردن آن است.

بهترین قانون حق دسترسی به اطلاعات در دنیا متعلق به کشور آفریقای جنوبی است که به تازگی در این کشور مورد اجرا قرار گرفته است این قانون ۲۵۳۶۱ کلمه دارد.

روابط عمومی هانقش بزرگی در این تحول جهانی یعنی حق



دسترسی به اطلاعات دارند؛ حق دسترسی به اطلاعات در ادبیات مربوطه اکسیژن دموکراسی تلقی می‌شود و دموکراسی بدون حق دسترسی به اطلاعات معنی واقعی ندارد. نسبت بین روابط عمومی و حق دسترسی به اطلاعات نسبت مهمی است و جز این نیست که آرمان روابط عمومی در اختیار قرار دادن اطلاعات برای عموم مردم به نفع مردم و بنا به مصلحت‌های آنان است. روابط عمومی وقتی پدید آمد قصد داشت که اطلاعات درون سازمان را به طور شفاف در اختیار مردم قرار دهد و مناسبات درون سازمان را سامان دهد؛ اکنون در بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای کشورهایی که حق دسترسی به اطلاعات را دارند بخشی به نام اطلاع‌رسانی قرار دارد که جایگاه همان روابط عمومی را دارد.

حق دسترسی به اطلاعات فرهنگ علنی‌گری دارد ولی مدیران و سیاستمداران دنیا سنتا دوست ندارند که به مردم اطلاعات دهند چون اطلاعات ابزار تحکم، ایجاد فاصله و اعمال قدرت است و روابط عمومی‌ها ابزار اصلی برای تغییر این فرهنگ هستند چون فقط آنها هستند که به اهمیت و چرخش اطلاعات در بین مردم واقفند. تقویت فرهنگ علنی‌گری که به عنوان یکی از چالش‌های اصلی حق دسترسی به اطلاعات است بهترین کانالی است که روابط عمومی‌ها دارند. ما باید مدیران را قانع کنیم که در دسترس قرار دادن اطلاعات فضا را شفاف و به کیفیت‌ها اضافه می‌کند و از دامنه فساد کم و ایجاد انگیزه می‌کند؛ فضا را برای مشارکت فعالانه آماده و اعتمادسازی می‌کند.

قبل از لایحه حق دسترسی به اطلاعات بهترین سازوکار موجود روابط عمومی‌ها هستند برای به وجود آوردن این فرایند در بعضی کشورها اصرار به این است که اطلاعات مربوط به نهادهای مدنی و خصوصی در دسترس قرار گیرد. اگر همه کمک کنند تا بحث حق دسترسی به اطلاعات در کشورهایی که از این حق استفاده نمی‌کنند مطرح شود قطعا سطح بحث‌ها در کشورها بالاتر می‌رود و کمک به این می‌کند که روحیه تعلق به جامعه بیشتر شود و در موضوع دموکراسی به لایه‌های عمیق و زیرین آن وارد شویم و دموکراسی را در قالب مشارکت و شفافیت و پاسخ‌پذیری ببینیم؛ دموکراسی که فرایندی است از درون به بیرون باید درون ما نهادینه شود تا بتوانیم براساس آن نهادهای بیرونی را خلق کنیم.

حق دسترسی به اطلاعات به روزنامه‌نگاران ربطی ندارد البته جزء لاینفک کار یک روزنامه در دسترس قرار دادن اطلاعات برای مردم است؛ حق دسترسی به اطلاعات برای تک‌تک شهروندان محسوب می‌شود و به تمام نهادهای دولتی بدون استثناء مربوط می‌شود. سازمان‌ها باید عادت کنند که به مردم اطلاعات دهند، حق دسترسی به اطلاعات نیاز به فرهنگ دسترسی به اطلاعات دارد مردم باید آگاه باشند هرچه قدر مردم آگاهتر باشند، امنیت ملی در جامعه بیشتر خواهد شد.